

## The strategic and economic position of Cilicia in the Achaemenid period

Mohammad Taghi Imanpour\*

Tahmores Mehrabi\*\*

### Abstract

After the conquest of Lydia and its capital Sardis by Cyrus the Great in 547 BCE, almost all parts of Asia Minor, including Cilicia in southern Asia Minor, came under Persian rule. Although the *syennesis* dynasty, the rulers of Cilicia were able to maintain their hereditary sovereignty over this land to some extent as semi-independent by helping Cyrus conquer Sardis, but the geopolitical and economic position of Cilicia caused the Achaemenids to pay special attention to this land from the very beginning. Because, being on the trade route, which on the one hand to connect the sea routes in the Mediterranean to the royal road and on the other hand that connected Asia Minor to northern Syria and the Mesopotamia, had made Cilicia a center of trade and played an important role in the economic development of the Achaemenid Empire. However, despite the position and economic importance of this land in the Achaemenid period, but so far no independent research has been done in this regard. Therefore, by looking at the geographical and geopolitical location of Cilicia, and using ancient historical reports and archaeological data and based on the

\* Professor of Ancient History, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding Author), [mimanpour@hotmail.com](mailto:mimanpour@hotmail.com)

\*\* Phd student, Ancient History of Iran, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran, [t.mehrabi91@gmail.com](mailto:t.mehrabi91@gmail.com)

Date received: 21/05/2021, Date of acceptance: 04/07/2021



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

method of historical research in this study, an attempt has been made to examine the trade and economic status of Cilicia in the Achaemenid period.

**Keywords:** Cilicia, Achaemenids, Asia Minor, economy, trade routes.



## موقعیت راه‌بردی و اقتصادی کیلیکیه در دوره هخامنشی

محمد تقی ایمانیپور\*

طهمورث مهرابی\*\*

### چکیده

پس از تصرف لیدیه و پایتخت آن شهر سارد به وسیله کوروش بزرگ در سال ۵۴۷ پ.م، تقریباً تمامی بخش‌های آسیای کوچک از جمله سرزمین کیلیکیه در جنوب آسیای کوچک تحت سیطره حکومت پارسیان در آمد. هر چند خاندان سوئنیس، حاکمان وقت کیلیکیه به دلیل کمک به کوروش در فتح سارد توانستند حاکمیت موروثی خودشان را تا حدودی بر این سرزمین به صورت نیمه مستقل حفظ کنند، اما موقعیت ژئوپلیتیکی و جایگاه اقتصادی کیلیکیه از همان ابتدا باعث توجه ویژه هخامنشیان به این سرزمین شد. قرار گرفتن در مسیر راه‌های تجاری، که از یک طرف به راه‌های دریایی در مدیترانه و از سوی دیگر به جاده شاهی که آسیای کوچک را به شمال سوریه و میانرودان مرتبط می‌کرد، باعث شده بود که کیلیکیه به مرکز مبادلات تجاری تبدیل و نقش مهمی در توسعه اقتصادی شاهنشاهی هخامنشیان ایفا کند. لذا با نگاهی به موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی کیلیکیه، و با استفاده از گزارش‌های تاریخی کهن و داده‌های باستان‌شناختی و بر اساس شیوه پژوهش‌های تاریخی در این پژوهش تلاش شده است به طور ویژه به موقعیت راه‌بردی و اقتصادی کیلیکیه در دوره هخامنشی پرداخته شود که از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش

\* استاد تاریخ باستان، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، تهران (نویسنده مسئول)،

mimanpour@hotmail.com

\*\* دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، t.mehrabi91@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۱۳



Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

تاثیر سرزمین کیلیکیه در اقتصاد شاهنشاهی هخامنشی و جایگاه آن در مبادلات تجاری منطقه‌ی آسیای کوچک است.

**کلیدواژه‌ها:** کیلیکیه، هخامنشیان، آسیای کوچک، اقتصاد، راه‌های تجاری.

## ۱. مقدمه

شاهنشاهی هخامنشی از ساتراپی‌های مختلفی تشکیل شده بود که نامهای آنها در کتیبه‌های بر جای مانده‌ی این دوره به اشکال مختلف ذکر شده است. هر چند نام سرزمین کیلیکیه به‌عنوان یک ساتراپی مستقل در این فهرست نیامده است، اما هرودوت از کیلیکیه به‌عنوان یکی از سرزمین‌هایی نام می‌برد که خراجگزار داریوش بزرگ بود و در ناحیه چهارم مالیاتی قرار داشت و سالانه ۵۰۰ تالان نقره و ۳۶۰ اسب به دربار پارس ارسال می‌کرد (Herodotus, 1890/III: 91). کیلیکیه در جنوب آسیای کوچک (جنوب ترکیه و شمال مرزهای سوریه و شمال شرقی قبرس)، از موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه‌ای برخوردار بود. کوه‌های تاروس که مرز بین این سرزمین و پامفولیا به‌شمار می‌رفت و ارتباط با دریای مدیترانه از یک سو، قرار گرفتن در مسیر راه‌های ارتباطی که این سرزمین را به آسیای کوچک و در نهایت به میانرودان و از طرف جنوب به سوریه متصل می‌کرد، به این سرزمین اهمیتی دوچندان بخشیده بود. کیلیکیه به دلیل راه‌های دریایی و خشکی و همچنین عبور جاده‌ی شاهی از این سرزمین در سراسر دوره‌ی هخامنشی چهار راه و مرکز ارتباطی مهمی بین سرزمین‌های میانرودان و آسیای کوچک بود. علاوه بر این به دلیل داشتن چوپ، آهن و دیگر فلزات که بشدت مورد استفاده نیروهای نظامی هخامنشیان بود؛ این منطقه را به‌عنوان مرکز تجمع نیروهای زمینی و دریایی هخامنشیان و پایگاهی برای عملیات دریایی از جمله حمله به یونان تبدیل کرده بود (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به Poolos, 2008: 79; Briant, 2012: 198; Baslez, 1985: 138-141; Murray, 1988: 468-469). گرچه در پژوهش‌های انجام شده پیرامون تاریخ هخامنشیان اشارات پراکنده‌ای به کیلیکیه در دوره‌ی هخامنشیان شده است، اما تاکنون پژوهش جداگانه‌ای درباره اهمیت و جایگاه اقتصادی کیلیکیه در این دوره صورت نگرفته است. از کارهای انجام شده‌ی مرتبط با موضوع، می‌توان به‌عنوان مثال، از مقالاتی در مورد دزدان دریایی کیلیکیه در دوران حضور روم در این منطقه یاد کرد که موضوع آن بیشتر مرتبط با دوران حاکمیت رومی‌ها

بر منطقه است (Rauh et al, 2009: 254-306; Calik, 1997/1). رحیم ولایتی (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی تحت عنوان «بررسی و مطالعه مکان‌یابی ساتراپی‌های هخامنشی در آسیای صغیر» به مکان‌یابی این ساتراپی‌ها در آسیای کوچک اشاره دارد که در این پژوهش، ایشان در کنار ساتراپی‌های آسیای کوچک، به معرفی کیلیکیه بعنوان یکی از ساتراپی‌های نیمه مستقل هخامنشی پرداخته است. همین‌طور می‌توان به مقاله یوسف جمالی و دیگران تحت عنوان «نقش و جایگاه اقتصادی ساتراپ‌نشین‌های غربی ایران در شاهنشاهی هخامنشی (از ۵۵۰ تا ۳۰ پ.م.)» یاد کرد که در آن به نقش اقتصادی ساتراپی‌های آسیای کوچک از جمله کیلیکیه بطور کلی اشاره شده است، اما در آن تمرکز کمتری بر اهمیت و جایگاه اقتصادی کیلیکیه شده است. از پژوهش‌های دیگر مرتبط با موضوع مورد بحث می‌توان از مقاله هژبری نوبری و دیگران (۱۳۹۰) تحت عنوان «بررسی باستان‌شناختی ارتباطات سیاسی و فرهنگی ایران و آسیای صغیر در دوران هخامنشی»؛ مقاله رادیستا (۱۳۸۹: ۲۰۰-۲۱۴)، تحت عنوان «ایرانیان در آسیای کوچک»؛ ایمان‌پور و دیگران (۱۳۹۱: ۱-۱۲)، تحت عنوان «نقش حکومت‌های محلی ایرانی نژاد شرق آسیای صغیر در شکل‌گیری اندیشه بازیابی امپراتوری هخامنشی نزد اشکانیان»؛ مقاله مهرابی و جلیلیان (۱۳۹۵: ۱۳۳-۱۵۹)، تحت عنوان «کاپادوکیه نگهدارنده‌ی فرهنگ و سنت هخامنشیان در آسیای کوچک» و رساله دکتری سهم الدین خزائی (۱۳۹۲) در دانشگاه تهران تحت عنوان «بازرگانی در دوره هخامنشیان» نام برد که بیشتر این پژوهش‌ها بر روی ساتراپی‌های آسیای کوچک در دوره هخامنشیان متمرکز شده‌اند و در هیچ یک از این آثار و کارهای مشابه نظیر کارهای پی‌یر بریان به نقش و اهمیت اقتصادی کیلیکیه در دوره هخامنشیان به صورت مستقل پرداخته نشده است. چنان‌که پی‌یر بریان می‌گوید «ما اطلاعات بسیار ناچیزی درباره کیلیکیه داریم و باز نوشتن تاریخ کیلیکیه با وجود اسناد ناقص و ناچیز، ناهمگون و بد تاریخ‌گذاری شده، کار دشواری است و ما فقط می‌دانیم که سوئنیسیس (Syennesis) باید از شاه بزرگ اطاعت کند» (Briant, 2002: 610). از این‌رو، این پژوهش تلاش دارد تا به شیوه‌ی تاریخی و با سود جستن از یافته‌های باستان‌شناختی و داده‌های تاریخی، به جایگاه کیلیکیه در مبادلات اقتصادی هخامنشیان بپردازد. برای این منظور، ابتدا به موقعیت جغرافیایی و تاثیر شرایط جغرافیا در مبادلات اقتصادی این سرزمین اشاره می‌شود و سپس به جایگاه کیلیکیه در اقتصاد و مبادلات اقتصادی در دوره‌ی هخامنشیان پرداخته خواهد شد.

## ۲. موقعیت ژئوپلیتیک و راه‌های تجاری - بازرگانی کیلیکیه

از این سرزمین (کیلیکیه = Cilicia) در نوشته‌های آشوری به صورت «خیلاکو» (Khilakku) یاد شده است (Calik, 1997/1: 17). به زبان یونانی نیز به شکل  $\text{Κιλικία}$  نوشته شده است (Herodotus, 1890/V: 118, 92). در دوره ساسانی و در کتیبه‌ی شاپور یکم (۲۴۰-۲۷۰م) در کعبه زردشت (KZ)، به زبان پارسی به صورت ( $\text{Kylky} = \text{kīlikyā}$ ) و در فارسی میانه نیز به صورت ( $\text{Klky} = \text{Kīlikyā}$ ) آمده است (Back, 1978/VIII: 310). سرزمین نیمه مستقل کیلیکیه در جنوب ساتراپی بزرگ کاپادوکیه کهن قرار داشت و امروزه به نام چوکورو نامیده می‌شود. این سرزمین در جنوب ترکیه و منتهی به مدیترانه و در شمال مرزهای سوریه قرار دارد (Back, 1978/VIII: 310; Weiskopf, 2012: 1). کیلیکیه از یک سو به وسیله رشته کوه‌های عظیم و بلند تاروس و از سوی دیگر با کرانه دریای مدیترانه احاطه شده است که از آن بستر مناسبی برای مبادلات تجاری و اقتصادی در آسیای کوچک ساخته بود (دیودور سیسیلی، ۳۴۰: ۱۰۷). گزنفون می‌گوید، ترسوس (Tarsus) که قصر خاندان سوئسیس در آن قرار دارد، شهری بزرگ و آباد در کیلیکیه است. از میان شهر رودخانه‌ای جاریست به نام سیدنوس که ۲۰۰ پا عرض دارد (۱۳۸۴: ۴۰). از کیلیکیه به شهرهای شرقی دو راه وجود دارد، یکی دربند سوریه و دیگری دربند آمانی (گردنه بغچه) در شمال که به فرات می‌رسد (خزائی، ۱۳۹۵: ۳۷-۵۸; Arrian, 1983: 91). شهر دارای دروازه بسیار بزرگی بود که کوه‌های تاروس مرز میان کیلیکیه و پامفولیا به شمار می‌رفت (استرابو، ۱۳۸۲: ۳۱).

از آنجایی که هخامنشیان از همان ابتدا به گسترش راه‌های ارتباطی به ویژه شبکه راه‌هایی که آسیای کوچک را به میانرودان و سپس شوش و پارس پیوند می‌داد توجه ویژه‌ای داشتند (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به خزائی، ۱۳۹۵: ۳۷-۵۸)، باعث گردید که کیلیکیه نیز به دلیل قرار گرفتن در مسیر این شبکه ارتباطی اهمیت‌اش دوچندان شود. هخامنشیان این شبکه را به گونه‌ای گسترش دادند که شهرهای بزرگ، پایتخت‌های سلطنتی و مراکز ساتراپی‌ها در سراسر قلمرو شاهنشاهی را به هم پیوند می‌دادند، مهم‌تر از همه، جاده‌ی بزرگ شاهی بود که از تخت جمشید به شوش و بابل می‌رفت و از آنجا به طرف شمال به دو پاره تقسیم می‌شد که یک راه مهم و اصلی آن به کیلیکیه و دریای مدیترانه منتهی می‌شد. از طرف دیگر جاده‌ای وجود داشت که کیلیکیه را از راه دربندهای آن به

کاپادوکیه و سپس به شهر سارد پیوند می‌داد. این جاده‌های ارابه‌رو منطقه‌ی کیلیکیه، اغلب دارای شیب تند و از هر دو طرف با کوه‌های بسیار مرتفع و بلند احاطه شده بودند (گزنفون، ۱۳۸۴: ۳۹؛ دیودور سیسیلی، ۱۳۹۷: ۱۰۷). جاده فریگیه به کیلیکیه نیز جاده‌ای ارابه‌رو بود، یعنی برای گاری‌های چهارچرخه قابل استفاده بود. در مناطق حساس، سربازان ایرانی در دژهای مستحکمی که توسط هخامنشیان ساخته شده بود از راه و جاده‌های ارابه‌رو محافظت می‌کردند. با توجه به توصیفی که درباره راه‌های کیلیکیه آمده، تعدادی از این دژها در کیلیکیه نیز مستقر بوده‌اند (احتشام، ۲۵۳۵: ۱۱۶؛ Graf, 2006: 53; Brosius, 1994: 177)

اگر نقطه عزیمت و نقطه ورود به سرزمین کیلیکیه را از مسیر اصلی در نظر بگیریم، پی خواهیم برد که اهمیت استراتژیک کیلیکیه ناشی از قرار گرفتن در مسیر راه‌های اصلی، به ویژه پیوند آن با راه‌های دریایی بود که برای رشد و توسعه بازرگانی بستر مناسبی را فراهم می‌کرد. در اقتصاد شاهنشاهی، شبکه جاده‌ها و حمل و نقل زمینی و دریایی از اهمیت به‌سزایی برخوردار بود. این شبکه به قدرت عضلانی انسان و حیوان و وسایل حمل و نقل وابسته بود. حمل و نقل کالاها در فاصله‌ی طولانی دشوار و پرهزینه بود، اما حمل و نقل آبی به بهبود این وضعیت کمک می‌کرد (یوسف جمالی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۳). کیلیکیه از یک‌طرف محل عبور مسیر دریایی بود و از سوی دیگر، بیشتر راه‌های منطقه آسیای کوچک و سرحدات سوریه و کاپادوکیه از این سرزمین عبور می‌کرد. برای مثال، مسیر تاپساک در کنار فرات از جاده‌ی حلب به کیلیکیه راه داشت و از این مسیر تجار و بازرگانان می‌توانستند، عبور کنند و در سواحل کیلیکیه از کشتی پیاده شوند و از آن‌جا به آسیای کوچک و یونان عزیمت کنند (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: Arrian, 1983: 91; Kuhrt, 2007: 225,230; Briant, 2002: 308, 378-379, 499). در بندهای آن به سارد می‌رفت. کیلیکیه در تمام طول دوران هخامنشی چهار راه و مرکز ارتباطی مهمی بین سرزمین‌های میان‌رودان و آناتولی بود. در لشکرکشی داریوش بزرگ به یونان در سال ۴۹۰ پ.م این واقعیت به خوبی چهره نمود و گفته می‌شود نیروهای دریایی ایران از این منطقه به سوی یونان به حرکت درآمدند (Herodotus, 1890/V: 43, VI, 95, VII, 77). مسیر دریایی بین کیلیکیه و غرب آسیای کوچک به طور منظم برای ارتباط با مرکز شاهنشاهی استفاده می‌شد و از پایگاه‌های استراتژیک اصلی شاهنشاهی هخامنشی بود. به دلیل دسترسی به راه‌های دریایی و خشکی و عبور جاده ارابه‌رو از این سرزمین، کیلیکیه

به یکی از بهترین مکان‌های جغرافیایی برای تجار و بازرگانان و حتی عملیات نظامی علیه اروپا تبدیل شد. برای نمونه، مردونیه پس از ماموریت برای لشکرکشی به اروپا به کیلیکیه رفت و از آنجا با ناوگان عزیمت کرد و یا داریوش سوم در کیلیکیه نیروهای خود را از راه دریا به دشت ایسوس ارسال کرد (Kuhrt, 2007: 225,230; Briant, 2002: 378-379).

### ۳. پیوستن سرزمین کیلیکیه به هخامنشیان

اولین شواهدی که نشان بدهد از کیلیکیه به عنوان یک نام برای مکان استفاده شده مربوط به قرن هشتم پ.م بوده است. اما آثاری از دوره نوسنگی در این سرزمین یافت شده است که نشان دهنده کهن‌تر بودن تاریخ کیلیکیه و باشندگان این سرزمین است. بعنوان مثال، می‌دانیم نرام‌سین در آنجا به نبرد پرداخت (Calik, 1997/1: 17; Poots, 2004: 106) و یا با ویرانی فریگیه توسط کیمیریان، اکثر ایالت شرقی آسیای کوچک به چنگ اورارتور در آمد و روسای دوم بر آن ایالات حکومت می‌کردند (دیاکونوف، ۱۳۸۸: ۲۹۴-۲۹۵). بین سال‌های ۷۴۰-۷۳۲ پ.م نیز، در یک ظرف مفرغی برنز اورارتویی نام شاه کیلیکیه ذکر شده است (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: Forbes 1983, 110; Steinherr, 1958: 97-102; Summers, 1993: 94). همچنین در سالهای (۷۲۰ تا ۶۴۰ پ.م) سارگن دوم آشوری تلاش کرد کیلیکیه را به گستره‌ی جغرافیایی آشوریان ملحق کند (اسمیت، ۱۳۹۰: ۷۹؛ Calik, 1997/1: 17-20). اسرحدون پدر آشوربانیپال، شاه کیلیکیه را که «سان‌دوآری» نام داشت را اسیر کرد و کیلیکیه بخشی از گستره جغرافیایی آشوریان شد (گیرشمن، ۱۳۷۲: ۹۸؛ توین‌بی، ۱۳۸۸: ۱۵۰-۱۵۲؛ دیاکونوف، ۱۳۸۸: ۲۲۴-۲۲۵). روایت شهر کرخ بیت سلوک (سلوک) نیز این گزارش را تایید می‌کند (پیگولوسکایا، ۱۳۸۷: ۵۶-۶۰). اما در ۵۵۹ پ.م کیلیکیه به دست بابلی‌ها افتاد که کتیبه آرامی پیدا شده در کیلیکیه نیز این تاریخ را تایید می‌کند. کیرشو (Kiršū) نامی هم که در کتیبه آرامی در میدان سی قلعه کیلیکیه از او نام برده شده است، بیانگر این است این مکان در آن تاریخ، اقامتگاه شاه محلی به نام اپوئشو (Appuašū) بوده است و گزارش‌ها از پیشرفت نظامی بابلیان در کیلیکیه علیه حاکم محلی کیلیکیه بنام اپوئشو خبر می‌دهند (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به: Rollinger, 2004: 4; Jursa, 2014: 138; Casabonne, 1996: 111-116; Beal, 1992: 65-67).

در هر حال، در آغاز سلطنت نبونید، کیلیکیه پاره‌ای از امپراتوری بابل بود. نبونید به دلیل اهمیت کیلیکیه به خصوص در تامین مواد اولیه مانند آهن، چندین بار برای تسلط بر آن به



نبرد با کیلیکیان پرداخت (Briant, 2002: 45). بنابراین حضور بابلی‌ها در میانرودان شمالی، سوریه و کیلیکیه، نشان از عدم حاکمیت مادها بر آناتولی شرقی و سرزمین کیلیکیه می‌باشد. به نظر می‌رسد خط مرزی هالیس که لیدی‌ها و مادها را از هم جدا می‌کند، مانع تسلط مادها بر کیلیکیه شده است (Wiesehöfer, 2009a: 169 ; Frye, 1965: 81).

با تشکیل حکومت هخامنشی توسط کوروش بزرگ (۵۲۹-۵۵۹ پ.م)، بسیاری از سرزمین‌های تحت سلطه بابلیان در شرق مدیترانه و جنوب آسیای کوچک از جمله کیلیکیه تحت سیطره هخامنشیان در آمدند. با توجه به مدارک و شواهد باقی مانده، به نظر می‌رسد که کیلیکیه در این زمان توسط خاندانی اداره می‌شد که بنام «سوئسیس» خوانده می‌شدند (Wiesehöfer, 2009a: 169 ; Frye, 1965: 81) که در برخی منابع یونانی از آن به عنوان یک نام شخصی تفسیر شده است و هردوت از او به عنوان «پادشاه کیلیکیان» نام برده است (Herodotus, 1890/V: 117, 42; Frye, 1965: 108; Nichols, Kuhrt, 2007: 39) 2008: 189;

هم زمان با شکل‌گیری شاهنشاهی هخامنشیان کرزوس شاه لیدیه نیز که بدنبال سلطه بر دولت‌شهرهای جزیره ایونی و یا پیوند اتحاد و دوستی با آنان بود، موفق نشد کیلیکیه و لیکیه را تحت سلطه خود در آورد (Balcer, 1994: 248). به گفته هردوت کیلیکیه را کرزوس فتح نکرده بود و در دوران پادشاهی کوروش و کمبوجه هم این سرزمین به رغم پذیرش حاکمیت پارسیان، فرمانروای نیمه مستقلی بنام سوئسیس داشت (Herodotus, 1890/V: 117, 42; Frye, 1965: 108) که ظاهراً اختیار ضرب سکه، البته با تصاویر شاهان هخامنشی را داشت. این در تصاویر روی سکه‌های کیلیکیه در اواخر دوره هخامنشیان به خوبی نمایان شده است (بیانی، ۱۳۴۴: ۱۷-۱۹). گفته می‌شود در نبرد بین کوروش و کرزوس و پناه‌گرفتن کرزوس در کاخ سارد، کیلیکیه نقشی مهمی را در پیروزی کوروش بزرگ ایفا کرد. کیلیکیه به دلیل قرار گرفتن در مسیر ورود نیروهای کمکی به سارد درحقیقت می‌توانست با حمایت خود از هر یک از این دو هم‌اورد؛ شکست دیگری را در پی داشته باشد. نیروهای کمکی که شامل مصری‌ها و بابلی‌ها بودند، نمی‌توانستند به‌سرعت برای کرزوس نیرو اعزام کنند، زیرا کیلیکیان به طرفداری از کوروش به هخامنشیان پیوستند و بدین ترتیب راه رسیدن نیروهای کمکی به سارد از طریق کیلیکیه بسته شد و کیلیکیان با بستن مسیر نیروهای کمکی، مانع از ملحق شدن مصری‌ها و بابلی‌ها

به کرزوس شدند. به‌دیگرسخن، به گفته داندامایف آنان از همان ابتدا نقش مهمی در پیروزی کوروش بزرگ و استحکام شاهنشاهی هخامنشی در آسیای کوچک ایفا کردند (داندامایف، ۱۳۸۹: ۳۵؛ Frye, 1965: 81). حتی به گفته گزنفون پیش از این نیز در دوره حاکمیت آشوریان حتی زمانیکه آنها در اوج قدرت خود توانسته بودند بر بخشی از زاگرس شمالی در شرق قلمرو (Luckenbill, 1973, vol. I: 795-812; Vol. II: 540-566; Imanpour, 2002-2003: 62) و همچنین تمامی سرزمین‌های شرق مدیترانه سلطه پیدا کنند، موفق نشدند نظر حاکمان کیلیکیه را برای مقابله با حکومت نو ظهور ماد به خود جلب کنند (Xenophon, 1969: 77).

با پیروزی کوروش بزرگ بر کرزوس، فرمانروایان بومی مانند سوئسیس در کیلیکیه در تعهد نسبت به سلطنت شاه بزرگ، به دلیل مشروعیت مستقل خود انتظار احترام داشتند و کوروش نیز با آگاهی از این امر و با توجه به کمکی که این خاندان به کوروش بزرگ در نبرد با کرزوس داشتند، ساتراپی به این سرزمین اعزام نکرد (Georges, 2000: 11). اما آنان به پادشاه پارسیان خراج می‌دادند و در مواقع ضروری از کمک به شاهنشاهی دریغ نکردند. از طرفی عدم حاکمیت مستقیم هخامنشیان بر کیلیکیه در این زمان به این معنا نبود که پارسیان در این منطقه فاقد پایگاه ارضی بودند. شواهد درباره سوئسیس و کیلیکیه در زمان کوروش بزرگ بیانگر ارتباط و احترام متقابل بین این دو می‌باشد. بدیگرسخن، کمک فرمانرویان کیلیکیه به کوروش علیه لیدییه در واقع باعث شد کوروش حاکمان خاندان پیشین را بر این سرزمین در مقام شان ابقا کند (Briant, 2002: 64; Herodotus, 1890/V: 117, 43; Frye, 1965: 108). پس از روی کار آمدن کمبوجیه و در لشکرکشی وی به مصر نیز، احتمالاً باید کیلیکیان وی را همراهی کرده باشند، به ویژه بدون همراهی کیلیکیان سلطه بر قبرس و سپس مصر توسط کمبوجیه امکان‌پذیر نبود (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به Poolos, 2008: 79; Briant, 2012: 198; Baslez, 1985: 138-141; Murray, 1988: 468-469; Burn, 1984: 218).

#### ۴. جایگاه اقتصادی - امنیتی کیلیکیه در دوره هخامنشیان

منابع آشوری و بابلی گزارش می‌دهند که فرمانروایان میانرودان در کیلیکیه بدنبال اسبان فراوان و همچنین معادن نقره و آهن بودند و بخش مهمی از درآمد این فرمانروایان از سرزمین کیلیکیه تامین می‌شد (اسمیت، ۱۳۹۰: ۷۹). کیلیکیه از نظر فراورده‌های معدنی

به‌ویژه در تامین مواد اولیه مانند آهن غنی بود. انبوهی جنگلهای کیلیکیه‌ی تراکیه (Trache) و چوب کاج آنها پیوسته در ساختن کشتی‌ها به مصرف می‌رسید و هخامنشیان کشتی‌های جنگی خود را در ساحل کیلیکیه می‌ساختند و یا تعمیر می‌کردند (Briant, 2002: 45). در کیلیکیه محصولات کشاورزی مانند کنجد و محصول ارزن و گندم و ذرت به فراوانی تولید می‌شد و به سرزمین‌های دیگر ارسال می‌شد (دیودور سیسیلی، ۳۴۰: ۱۰۷). صفاتی که به شهر ترسوس مانند شهر «ثروتمند و بزرگ» نسبت داده‌اند آشکارا به نقش اقتصادی و تجاری آن اشاره می‌کند. شهرهای ساحلی کیلیکیه بطور مشخص به شهرهای بازرگانی معروفی شده بودند و اسناد نشان می‌دهد که کیلیکیه به واسطه تجارت بسیار مهم فلزات، همواره مورد توجه بازرگانان و تجار بوده است (اسمیت، ۱۳۹۰: ۷۹). کیلیکیه در مسیر راه‌های بازرگانی اصلی شاهنشاهی قرار گرفته بود که از پارس و دیگر نقاط در سراسر شاهنشاهی هخامنشی به غرب و مدیترانه می‌رفتند، شهرهای ساحلی کیلیکیه انباری برای آذوقه پارسیان و مکانی ویژه برای داد و ستد کالاهایی شده بود که از دیگر نقاط دنیا برای پارس و عکس آن به یونان ارسال می‌شد (Briant, 2002: 377-378).

همچنین، کیلیکیه شهری ساحلی بود که ساحل آن مرکز داد و ستد تجار و بازرگانی بود که از سراسر دنیا برای تجارت می‌آمدند و کالاهای خود را در اینجا عرضه می‌کردند. از سوی دیگر، تامین و تدارک بخشی از نیروی نظامی شاهنشاهی هخامنشی از سوی کیلیکیان و پرداخت دستمزد آنان از سوی ساتراپ کیلیکیه، بیانگر وجود ثروت فراوان و جایگاه و اهمیت اقتصادی کیلیکیه در دوره‌ی هخامنشیان بود (Herodotus, 1890/V: 43, VI, 100, VII, 159). علاوه بر حضور فیزیکی سربازان کیلیکیه‌ای در بیش‌تر نبردهای هخامنشیان با دشمنان داخلی و خارجی، آنان با پرداخت خراج نقدی و غیرنقدی، از نظر اقتصادی نیز شاهان هخامنشی را حمایت می‌کردند. فرمانروایان کیلیکیه به‌طور منظم و در مقادیر ثابت به پادشاه هدایایی ارسال می‌کردند (Frye, 1965: 108). آنان علاوه بر خراج نقدی شامل پانصد تالان نقره (از این مقدار؛ ۱۴۰ تالان نقره برای مخارج نگهداری سواره نظام مستقر در کیلیکیه، ۳۶۰ تالان به دربار ارسال می‌شد)، آن‌ها ۳۶۰ اسب سفید نیز برای دربار هخامنشی می‌فرستادند (Herodotus, 1890/III: 90,91).

برخی از پژوهشگران، با تایید نظریات هرتسفلد و اسمیت، در سنگ نگاره‌های ضلع‌های شرقی و شمالی کاخ آپادانا، افراد شماره ۸ را که گوسفندانی با دم‌های بلند برای

شاهنشاه هدیه می‌آورند را کیلیکیه‌ای می‌داند (Lincoln, 2007: 75-78; Curtis, 2003:4). گویا این تصور از شباهت کیلیکیان با آشوریان در نوع پوشش و ظاهر آنان بوده و باید انگاره‌ی کیلیکیه‌ای بودن آنها کنار گذاشته شود (Roaf, 1983: 51, 62, 130; Briant, 2002: 175).



نمایندگان ساتراپی‌ها در پلکان شرقی کاخ آپادانا  
(سعیدی، ۱۳۷۶: ۹۳).

مقدار خراج نقدی و غیرنقدی پرداختی توسط کیلیکیان به دربار هخامنشی

روی هم رفته	هزینه نگهداری سواره نظام در کیلیکیه	خراج غیرنقدی	خراج نقدی ارسالی به دربار	در کتیبه‌های رسمی دوران هخامنشی	ردیف (در تاریخ هردوت)	نام ساتراپی (=خستریاوان)
۵۰۰ تالان نقره و تدارک ۳۶۰ اسب سفید	۱۴۰ تالان نقره	۳۶۰ اسب سفید	۳۶۰ تالان نقره معادل ۱۲۲۴۰ کیلوگرم به نقره	در هیچ کتیبه‌ای نامی از کیلیکیه به عنوان ساتراپی جداگانه برده نشده است (Kent, 1953)	چهارم (۴)	کیلیکیه

در اعداد و ارقام گزارش شده توسط هردوت بدلیل تکرار آنها در موارد دیگر تردید وجود دارد، اما به نظر می‌رسد کیلیکیان مبالغ نقدی قابل توجهی به ویژه برای مخارج سواره نظام هخامنشی و تامین اسب و همچنین نیروی دریایی با تدارک کشتی می‌پرداختند (Herodotus, 1890/III: 90,91). برخی معتقد بودند اگر خط کیلیکیه به سینوپ از شاهنشاهی هخامنشی جدا می‌شد، به دلیل اهمیت و جایگاه مهمی که از آن برخوردار بود، می‌توانست بازارهای جدیدی برای توسعه اقتصادی یونان فراهم کند (Grainger, 2007: 73).

علاوه بر این مقدار خراج پرداختی، پارسیان در زمان فرمانرایی داریوش و جانشینان وی، نیروی دریایی (Basilikos stolos) هم داشتند که در حال آمادگی دائمی به سر می‌برد و

عمدتاً این نیروی دریایی در بنادر کلیکیه مستقر و مرکز فرماندهی نیروی دریایی در زمان داریوش بزرگ بود. البته آذوقه و مواد غذایی لازم برای سربازان مقیم کلیکیه توسط خود کلیکیان فراهم می‌شد (ویسهوفر، ۱۳۹۰: ۱۲۸). داتیس فرمانده کل ارتش داریوش در یورش به یونان، زمانی که حرکت خود را از شوش آغاز کرد، پیشاهنگی را به سرزمین‌هایی که ارتش از آنجا عبور می‌کند، فرستاد. مسیر حرکت داتیس طوری انتخاب شده بود که به سمت غرب به کلیکیه که در گوشه شمال شرقی دریای مدیترانه قرار داشت می‌رسید. با نزدیک شدن به سرزمین‌های آسیای کوچک، نیروی زمینی و همچنین دریانوردان با تجربه از کلیکیه به وی ملحق شدند. نیروهای پارسی که در این زمان از کلیکیه به داتیس ملحق شدند بر اساس دستورهای مستقیم قدرت مرکزی در سال ۴۹۷ پ.م حمله وسیعی را به قبرس آغاز کردند. بنابراین در این زمان نه تنها کلیکیه به عنوان مرکز نقطه تجمع نیروهای زمینی و دریایی بود، بلکه ساحل کلیکیه پایگاه تهیه آذوقه هخامنشیان بود و بدون شک ذخائر سلطنتی گندم در آن وجود داشت و فرماندهان هخامنشی آذوقه مورد نیاز خود را در نبرد با قبرس از کلیکیه فراهم می‌کردند (Poolos, 2008: 79; Briant, 2012: 198; Baslez, 1985: 138-141; Murray, 1988: 468-469; Burn, 1984: 218).

هم‌چنین در رابطه با حمایت حاکمان کلیکیه از شاهان هخامنشی، هردوت نقل می‌کند که در یورش خشیارشا به یونان مهم‌ترین مردان نیروی دریایی خشیارشا، به رهبری سوئنیسیس پسر اورومدون بود که ۱۰۰ کشتی جنگی را هدایت می‌کرد و در هنگام نبرد سالامیس ناپدید شد. اگر این گزارش هردوت درست باشد، نشان دهنده حمایت بی‌دریغ کلیکیان از خشیارشا در ابعاد نظامی و اقتصادی بوده است، خصوصاً که به احتمال زیاد این کشتی‌ها در کلیکیه و در یکی از پایگاه‌های مهم کشتی‌سازی پارسیان ساخته می‌شدند (Herodotus, 1890/VII: 91, 98). در سال ۴۵۰ تا ۴۴۹ پ.م و در دوران سلطنت اردشیر اول نیز، کلیکیه مرکز نیروهای پارسی در برابر اتحادیه دلیان (دلوس) به رهبری کیمون بود و کشتی‌های کلیکیه‌ای زیادی علیه آن در حال نبرد بودند. هر چند کیمون در حین محاصره کیتیوم (Citium) (کتیمه امروزی) از دنیا رفت و آنتی‌ها عقب نشینی کردند و در نهایت منجر به صلح بین دو طرف شد (توکودیدس، ۱۳۷۷: ۷۷؛ Brosius, 2006: 26). ساحل کلیکیه پایگاه تهیه آذوقه هخامنشیان بود و بدون شک ذخائر سلطنتی گندم در آن وجود داشت و فرماندهان هخامنشی برای رساندن آذوقه به قبرس به کلیکیه رفتند. علاوه بر این، در زمان اردشیر اول و در شورش ایناروس، ارتباز به کمک

سپاه و ناوگان تدارک و تعلیم داده شده در کیلیکیه بود که به مقابله با ایناروس شتافت. وی سپاهی را فرماندهی می‌کرد که در کیلیکیه اردو زده بود و ایناروس تنها توانست پاره‌ای از مصر را به چنگ بگیرد (توکودیدس، ۱۳۷۷: ۷۴؛ Briant, 2002: 455, 577).

حدود سال ۳۹۲ پ.م و در دوران سلطنت اردشیر دوم تغییرات مهمی در نظام حکومتی آسیای کوچک روی داد. اما این تغییرات و کاهش قدرت و نفوذ ساتراپ‌ها، شامل سرزمین کیلیکیه نشد. زمانی که کوروش کوچک در سیلانا از شهرهای فریگیه با مشکل مالی روبه رو بود، همسر شاه کیلیکیه به نام اپیاکسا (Epyaxa) در شهر کوستروپدیون بودجه و پول لازم را در اختیار کوروش کوچک قرار داد (گزنفون، ۱۳۸۴: ۲۴، ۳۷-۴۰؛ دیودور سیسیلی، ۱۳۹۷: ۳۳۷-۳۳۹؛ ۳۵۸؛ Kuhrt, 2007: 358). با وجود کمک اقتصادی خاندان سوئنیسیس به کوروش کوچک و پرداخت دستمزد سربازان وی، گویا سوئنیسیس به شاه بزرگ یعنی اردشیر دوم وفادار بود و به همین دلیل کوروش کوچک هنوز به سوئنیسیس اعتماد نداشت و سامیوس، دیاسالار اسپارتی را در پیشاپیش خود در سواحل کیلیکیه به حرکت در آورد تا اگر به راستی سوئنیسیس قصد سویی داشته باشد مانع فعالیت او گردد (داندامایف، ۱۳۸۹: ۳۳۶؛ Hyland, 2008: 13-14; Kuhrt, 2007: 360).

کنزیاس پیوستن سوئنیسیس به کوروش کوچک را کاملاً جنبه‌ی تاکتیکی می‌داند. وی می‌گوید: او هم در صف کوروش و هم در کنار اردشیر می‌جنگید (Ctesias, 2010: 11). به نظر می‌رسد پی‌یر بریان (Briant, 2002: 560). به درستی اشاره دارد که باید با نظریه از میان رفتن خاندان سوئنیسیس در کیلیکیه پس از نبرد کوناکسا با احتیاط برخورد کرد؛ چون هیچ سند مستقیمی که دلالت بر اثبات آن باشد وجود ندارد. همچنین در گزارش‌های هردوت، کنزیاس و دیودور سیسیلی از پیوستن سوئنیسیس به کوروش کوچک از روی میل و رغبت گزارشی داده نشده است. به نظر می‌رسد سوئنیسیس از روی اجبار مشکل مالی کوروش کوچک را رفع نمود و این کار برای جلوگیری بیشتر از غارت سرزمین کیلیکیه و تخریب راه‌های تجاری و اقتصادی و غارت سرمایه‌های مالی و پولی کیلیکیه بوده است.

در سال‌های ۳۹۵ تا ۳۶۵ پ.م، سراسر آسیای کوچک و پاره‌ای از مناطق همجوار علیه هخامنشیان به حالت جنگ در آمدند (دیودور سیسیلی، ۱۳۹۷: ۳۳۷-۳۳۹). برای نمونه داتامس در کاپادوکیه، آریوبرزن در فریگیه، ماسولوس در کاریا، اورونتس ساتراپ یونیه و حتی اتوفراداتس ساتراپ لیدی به جبهه مخالفان پیوستند و اوگوراس شاه قبرس نیز با

بیش‌تر ساتراپی‌ها برای طغیان علیه اردشیر برنامه‌ریزی کرده بود و همه امیدشان به آگسیلاس (آززیلاس) شاه اسپارت بود که از آنها حمایت کند. اما کیلیکه در این ایام هیچ اقدامی علیه اردشیر دوم انجام نداد و همچنان مانند قبل به مثابه پایگاه نظامی پارسیان مورد استفاده قرار می‌گرفت و هخامنشیان در نبرد علیه شورشیان حتی مواد غذایی خود را از کیلیکیان دریافت می‌کردند. (دیودور سیسیلی، ۱۳۹۷: ۴۷۸-۴۷۷؛ Briant, 2002: 648-650; Kuhrt, 2007: 382, 387-389). سکه‌های ضرب شده توسط تیرباز در کیلیکه هم این گزارش را تایید می‌کنند. حتی می‌دانیم که کمی قبل‌تر از این یعنی در سال ۳۸۲ پ.م تیربازوس ارتشی زمینی نیرومند در کیلیکه فراهم آورد و فرماندهی آن را به اورنتس داماد اردشیر دوم سپرد تا به نبرد علیه قبرس که در این زمان به پشتیبانی از آکوریس مصری برخاسته بود، پردازد (Hunger & Van der Spek, 2006: 10).

در زمان اردشیر سوم در سال ۳۴۵ و ۳۴۴ پ.م ظاهراً فنیقیه و کیلیکه تشکیل یک ساتراپ را می‌دادند که همین امر بر اهمیت اقتصادی کیلیکه بیش از پیش افزود (Brosius, 2006: 29). از طرفی مازائوس (مازه) به هنگام حمله اسکندر ساتراپ سوریه و شمال میانرودان بود و ضمناً پایگاه پیشین او به عنوان ساتراپ کیلیکه در زمان اردشیر سوم به او اجازه ضرب سکه داده بود. مازائوس (مازه) همچون ساتراپ پاره شمالی «هلال الخصیب» ناگزیر بار جنگ علیه اسکندر را در میان پیکارهای ایسوس و گوگمل برعهده داشت. اسکندر زمانی که به دربند کیلیکه (گولک بغاز = Golek Beghaz) معبر اصلی میان کاپادوکیه و کیلیکه از طریق کوههای ترسوس رسید، آگاه شد که با قدرت از دربند کیلیکه دفاع می‌شود. لذا پارمنیون را با پیاده نظام سنگین بر جا گذاشت و خود به همراه محافظان به قصد وارد آوردن ضربه‌ای ناگهانی به نیروی مدافع دربند کیلیکه، در شب به حرکت خود ادامه داد. وی با کل قوایش وارد سرزمین کیلیکه شد و در آنجا متوجه شد که مازه از تصمیم اولیه‌ی خود برای دفاع از ترسوس گذشته و ترسوس را رها کرده است (Arrian, 1983: 84, Quintus Curtius, 1962: 359). اسکندر پس از دستیابی بر کیلیکه بالاگروس پسر نیکاتور و یکی از اعضای گارد سلطنتی را به حکومت کیلیکه منصوب کرد. اما پس از شوش و پیش از حرکت به سوی ایالت پارس، منس را به عنوان حاکم سوریه، فنیقیه و کیلیکه به آنجا فرستاد (Arrian, 1983: 104, 173; Anson, 1988: 471).

## ۵. کنترل بازارهای اقتصادی کیلیکیه توسط پارسیان بر مبنای سکه‌ها و یافته‌های باستان‌شناختی

اگرچه سرزمین کیلیکیه از مرکز قدرت هخامنشیان یعنی از پارس دور بود، اما این دوری بدین معنا نبود که پارسیان در امنیت بازرگانی و اقتصادی کیلیکیه نظارتی نداشتند. ساتراپ کیلیکیه مدام لشگرکشی‌هایی بر اضد قوامی که از استحکام مواضع خود در کوهستان برای جدا شدن از قدرت مرکزی سود می‌جستند، انجام می‌داد. همچنین هخامنشیان برای نظارت و کنترل تجارت اقتصادی کیلیکیه تعداد زیادی از پارسیان را در سرزمین کیلیکیه گماشته بودند. حضور پارسیان در کیلیکیه بر اساس کاوشگاه میدان سی قلعه کیلیکیه که در آن تنها نقش برجسته‌هایی از نوع تخت جمشید در ایالات کشف شده است، مورد تایید قرار گرفته است (Kuhrt, 2007: 13). حتی کتیبه‌های هدایی و کتیبه‌های مربوط به تدفین و خاکسپاری نیز در کیلیکیه کشف شده‌اند که همگی بیانگر حضور پارسیان زیادی در کیلیکیه است. علاوه بر این نام‌هایی از قبیل آرتاخشسه (Artaxsaca=Artaxsacra) به معنی «حکومت ایزد ارته»، آرتاکزرکس= اردشیر و «فرن کشتارتوس» به معنی «حکومت پیشوا» و بسیاری نام‌های دیگر در کیلیکیه مطابقت دارد (گرین‌فیلد، ۱۳۸۵: ۶۰۹؛ دیاکونوف، ۱۳۸۸: ۲۲۴-۲۲۵).

در کیلیکیه دو کتیبه آرامی که زبان رسمی شاهان هخامنشی بود، پیدا شده است. یکی از آن‌ها متعلق به دوران اردشیرها (به سبب افتادگی و آسیب دیدگی کتیبه مشخص نیست، مربوط به دوران کدام اردشیر هخامنشی است) و حاوی واژه دته است. همچنین در پرستش‌گاه آرتامیس در کاستابالا (بعدها هیروپولیس نامیده شده)، کتیبه‌ای دیگری هم به زبان آرامی کشف شده است که متعلق به دوران هخامنشیان است. وجود نام ترکوموه به زبان آرامی بر روی سکه‌های کیلیکیه‌ای منسوب به داتامس، بیانگر نظارت و کنترل بازار اقتصادی سرزمین کیلیکیه است. همچنین وجود جماعات مهاجرنشین پارسی در کیلیکیه و یا وام‌گیری شیوه زندگی پارسی و وجود عناوین و نام‌های مذهبی در میان کتیبه‌ها بیان‌گر وجود و نفوذ پارس‌ها در بین باشندگان کیلیکیه است، که به نظر می‌رسد این حضور پررنگ پارس‌ها در کیلیکیه، بیشتر برای بازرسی و نظارت بر بازارهای کیلیکیه بوده است (Davesne et al, 1987: 360-368).



سکه‌های زیادی به زبان آرامی از کیلیکیه به دست آمده‌اند، که از شهرت خاصی برخوردارند (گرین فیلد، ۱۳۸۵: ۶۰۹). پژوهشگران با استفاده از سکه‌هایی از نوع محلی که در کاریا بدست آمده و با توجه به نشانه‌ها، چهره و شواهد باقی مانده بر روی سکه‌ها، به درجه یا میزان تاثیر نفوذ پارس‌ها در این منطقه محدود پرداخته‌اند (Lintz, 2010: 377). بر روی سکه‌ای که متعلق به ترسوس کیلیکیه است؛ صحنه شخم زدن بر روی سکه با حلقه بالدار بر فراز آن بازنمایی شده است، در حالی که پشت سکه، گاوی را در حال شیردادن به گوساله خود نشان می‌دهد. مسلم است که هر دو مورد به جایگاه اقتصادی و تجاری اشاره دارند. از سکه‌هایی که از کیلیکیه به دست آمده به جز مکان ضرب سکه، که ترسوس مرکز کیلیکیه است نام دیگری دیده نمی‌شود. کسی که شاه کیلیکیه تلقی می‌شود سوار بر اسب بر روی سکه دیده می‌شود. بر روی سکه‌های مجموعه‌ای که متعلق به سده پنجم دانسته شده است، پادشاه سوار بر اسب مشاهده می‌شود، اما بر پشت سکه‌ها تصاویر سلطنتی نقش شده است، مثلاً «شاه پارس در طرف راست با کمان در حالی که برای کشیدن کمان زانو زده است» ریشدار است، بر سرش چیزی نیست. جامه پادشاهی چنداری به تن دارد که دارای کمری تنگ است. بر چندین سکه دیگر؛ دو چهره سلطنتی شاه پارسی دیده می‌شود. دو شاه پارسی روبه روی یکدیگر ایستاده‌اند؛ هر دو ریش و جامعه سلطنتی دارند و هر کدام با هر دو دست بر نیزه‌ای تکیه دارند؛ کمان دارند و ترکشان بر دوششان است. بر سه نمونه دیگر تصاویر سلطنتی روی و پشت سکه‌ها را اشغال کرده‌اند. بر روی سکه پهلوان سلطنتی با شیر می‌جنگد و با دست راست یال او را گرفته است و شمشیر را با دست چپ به پهلوی او فرو می‌کند، پشت سکه شاه راست ایستاده و به نیزه خود تکیه زده است. به سبب تردیدهای زمان شناختی پایدار، بیان نتایج استوار بر اساس اسناد سکه شناختی دشوار است. با این همه این سکه‌ها دو پیام مهم دارند. ابتدا، انتشار تصاویر سلطنتی در کیلیکیه که از طریق سکه‌ها و مهرها صورت می‌پذیرد و دوم پیوند آشکار تصویر شاه کیلیکیه با تصویر شاه (پهلوان سلطنتی) بر پشت و روی سکه است و اجماع این دو مفهوم آشکارا به انتقال فرهنگ و سنت پارسی از راه تجارت و داد و ستد بین کیلیکیان و پارسیان اشاره دارد (Briant, 2002: 610-611; Edelman, 2005: 63-61).

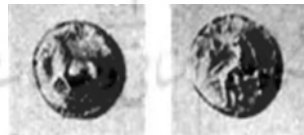
سکه‌های مازه دارای تصاویر متنوع هستند که در کیلیکیه، صیدا و بابل به ترتیب ضرب شده‌اند. در نوع اول یعنی کیلیکیه بر پشت سکه نام مازه به خط آرامی و شیری که

در حال دریدن اهو می‌باشد، نقش شده است و نیز برج و باروی شهر که در تصویر بالای شیر در حال دریدن اهو دیده می‌شود. (تصاویر سکه‌های مازہ که در کیلیکیه ضرب شده‌اند و مربوط به سال‌های ۳۶۱ تا ۳۳۳ پ.م در کیلیکیه است که در تصویر زیر مشاهده می‌شود).



سکه‌های مازہ ساتراپ کیلیکیه  
(بیانی، دوره سه، ش ۳۲ و ۳۳، صص ۱۷-۱۹).

در اوایل سده چهارم پ.م شماری سکه‌های نقره‌ای که پایه‌ی اقتصاد پول هخامنشیان بود، توسط ساتراپ‌های مقیم در «ترسوس» که یک پایگاه کلیدی برای استراتژی هخامنشیان بود، ضرب می‌شدند. این سکه‌ها دارای نام‌های مختلفی نظیر داتامس و مازہ می‌باشند؛ که همگی به خط رسمی آرامی در دفترخانه‌های هخامنشی حک شده‌اند (بیوار، ۱۳۸۵: ۵۱۱). در حدود سال ۳۵۰ پ.م مازہ مسئول کیلیکیه شد. البته سکه‌های مازہ تاجایی که بتوان آنها را با قطع و یقین تاریخ گذاری کرد، نشان می‌دهند که پس از سقوط صیدا قدرت وی بسط یافته بود.



(سکه‌های نوع دوم از مازہ ساتراپ کیلیکیه در صیدا است که اردشیر سوم را سوار بر گردونه‌ای نشان می‌دهد) (بیانی، دوره سه، ش ۳۲ و ۳۳، صص ۱۷-۱۹).

زیرا سکه‌هایی که در کیلیکیه ضرب شده است به آرامی است و بیانگر قدرت مازہ در ماوراء فرات و کیلیکیه است. الحاق دو ایالت ماوراء فرات و کیلیکیه احتمالاً درست بوده، چون کیلیکیه همواره معطوف به شام بود تا آسیای کوچک و خشرپاون آن در ترسوس به سر می‌برد و احتمالاً در این زمان با سرکوب شورش فنیقه توسط ساتراپ کیلیکیه،

سرزمین فنیقه نیز به زیر فرمان ساتراپ کیلیکیه یعنی مازه در آمده است و تجارت اقتصادی کیلیکیه رونق گرفته است (فرای، ۱۳۸۸: ۲۱۵). (تصویر زیر از نوع سوم سکه های از مازه که در بابل ضرب شده‌اند، می‌باشد).



سکه ۱



البته رونق اقتصادی کیلیکیه با سکه‌هایی که مازه در کیلیکیه ضرب کرده است، روشن می‌شود. شاهان و خشترپاوان‌ها در دوران هخامنشی در اسپندوس کیلیکیه سربازان مزدور اجیر می‌کردند. اسپندوس کیلیکیه به داشتن کمانداران ماهر شهرت داشت. علاوه بر این کیلیکیه به دلیل ساحلی بودن ملزم به اعزام قشونی معین برای نیروی دریایی هخامنشیان بود و پایگاه‌های نظامی و اسلحه‌سازی هخامنشیان به ویژه در کیلیکیه قرار داشت که خود بخش قابل توجهی از نیاز اقتصادی هخامنشیان و چرخه انتقال پول بین کیلیکیه و هخامنشیان را بر طرف می‌نمود (برای آگاهی بیشتر، بنگرید به Poolos, 2008: 79; Briant, 2012: 198; Baslez, 1985: 138-141; Murray, 1988: 468-469; Burn, 1984: 218; Kuhrt, 2007: 292).

رونق اقتصادی در کیلیکیه سبب تمرکز و انبوه جمعیت در این ساتراپی شده بود به طوری که ویسهوفر در یک سرشماری جمعیت کیلیکیه در دوره هخامنشیان را جمعیت نسبتاً قابل توجهی تخمین می‌زند (Wiesehöfer, 2009b: 77). پلینی می‌گوید از طریق تجارت، مغان و شاهان با استفاده از پماد عجیبی که از ترکیب گیاهان کیلیکیه‌ای با زعفران و چربی بدن شیر درست شده است، به پوست بدنشان جلوه می‌بخشند (Briant, 2002: 267, 296). علاوه بر استفاده مغان از وسایلی که در پی تجارت با کیلیکیه بدست می‌آمد؛ فرهنگ و ارزش‌های دوره هخامنشی نیز از همین راه‌های تجاری و توسط تجار و بازرگانان از کاپادوکیه به کیلیکیه برده شد و در آنجا نهادینه شد... به طوری که کردیر (کرتیر) در کتیبه

خود در کعبه زرتشت (KKZ) ادعا می‌کند آتش‌هایی که در کیلیکه و پیرامون آن بودند را احیا نموده است (Back, 1978/VIII: 425-427). مبادلات تجاری و اقتصادی هخامنشیان، چنان در بین کیلیکیان رواج داشت که حتی آیین‌های محلی در کیلیکه با آیین‌های هخامنشیان یکی می‌شوند. به طوری که در یک جا بعل ترسوس با پیکره‌الددار هخامنشی جفت می‌شود، نرگال سامی دیگری با لباس هخامنشی ظاهر می‌شود، که شاید منعکس‌کننده عمق روابط تجاری و بازرگانی بین پارس و کیلیکه بوده باشد (Boyce, 1982: 273).

در زمان اسکندر کیلیکه در امور اقتصادی شاهنشاهی نقش مهمی را ایفا می‌کرد و از لحاظ اجتماعی و سیاسی وضع خاصی داشت. اسکندر ساتراپی‌ها را از اختیار ضرب مسکوکات که در دوره هخامنشیان به آنان داده شده بود، محروم و ممنوع کرد، اما کیلیکه که اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت مستقل به ضرب سکه ادامه داد. علی‌رغم تداوم و سریع هلنی شدن آداب و رسوم پول شرقی، اما در کیلیکه تا مدتی این سنت پولی هخامنشی ادامه یافت. به شهر اُلبا در کیلیکه در دوران حکومت سلوکیان مقام و موقعیت پلیسی اعطا شد و همین امر دلیل بر شناسایی و تایید تاسیسات و سازمان‌های سستی آنها و حقوق و امتیازات آنان برابر با پولیس‌های یونان بود و هیئت مدنی این شهرها از اهالی محل تشکیل می‌شد. تا مدتها بعد از فروپاشی هخامنشیان، سکه‌های شبه آتنی در کیلیکه ضرب شده‌اند که آثار هخامنشیان نیز در آنها نمایان است (دیاکونوف، ۱۳۹۰: ۱۷۴-۱۷۶، ۱۹۱ (Gitler & Lemaire, 2003: 5; Van Alfen, 2005: 17, 19; ۱۹۱).

اگرچه ساتراپی کیلیکه پس از فروپاشی هخامنشیان، هیچ وقت به طور رسمی بخشی از خاک ایران نشد و در در دوره اشکانیان به چنگ روم افتاد (Isidore, 1914: 4-10) و حتی در سال ۶۷ پ.م روم تحت عنوان نبرد با دزدان دریایی به طور ثابت در کیلیکه مستقر شد (دیاکونوف، ۱۳۹۰: ۲۳۳). اما شواهد نشان می‌دهد به دلیل حضور و ارتباطات تجاری و اقتصادی قوی بین کیلیکه و سایر نقاط سرزمین‌های پارس و قرار دادن کیلیکه به عنوان کانون تجارت دریایی و خشکی توسط هخامنشیان، حتی سال‌ها پس از فروپاشی هخامنشیان، همچنان سنت‌های پارسی و آیین‌های زرتشتی در این سرزمین رواج داشته است و این فرهنگ و سنت هخامنشی تا دوره ساسانیان و چه بسا تا دوره اسلام در کیلیکه به حیات خود ادامه داده است (Back, 1978/VIII: 425-427).

## ۶. نتیجه‌گیری

حاکمان کیلیکیه از همان ابتدا در نبرد بین کروزوس و کوروش بزرگ، نقش اساسی در پیش‌برد اهداف شاهنشاهی هخامنشی ایفا کردند. همین همراهی کیلیکیه با کوروش بزرگ در جنگ علیه کروزوس باعث شد حاکمیت خاندان پیشین سوئسیس بر این سرزمین به رسمیت شناخته شود و کیلیکیه از نوعی خودمختاری در دوره هخامنشیان برخوردار شود. شاید همین امر باعث شد تا کیلیکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و قرار گرفتن در مسیر راه‌های اصلی تجاری، در امر تجارت و بازرگانی جایگاه مهمی را به خود اختصاص دهد و نقش مهمی در اقتصاد این دوره بازی کند. علاوه بر این بیشتر حملات به یونان و مصر از کیلیکیه انجام می‌شد و مرکز تجمع نیروهای پارسی به شمار می‌رفت. همچنین کیلیکیه به دلیل قرار گرفتن در مسیر راه‌های ارتباطی به ویژه نقطه‌ی اتصال میان‌رودان به آسیای کوچک و شمال سوریه و به ویژه ارتباط با راه‌های دریایی و نزدیکی به قبرس، همیشه از جایگاه استراتژیک مهمی برای هخامنشیان برخوردار بود و کنترل جزیره قبرس ایجاد می‌کرد که هخامنشیان توجه ویژه به کیلیکیه داشته باشند.

از طرف دیگر، موقعیت جغرافیایی کیلیکیه و پوشش آن توسط کوه‌های تاروس از یک سو و از طرف دیگر عبور جاده‌ی شاهی و قرار گرفتن در مسیر چهار راه ارتباطی باعث شده بود تا کیلیکیه از لحاظ اقتصادی رشد دوچندانی داشته باشد. کیلیکیه به تنهایی بخش قابل توجهی از مالیات هخامنشی را پرداخت می‌کرد و ساحل کیلیکیه پایگاه تهیه آذوقه هخامنشیان بود. همچنین کاربرد صفاتی چون بزرگ و ثروتمند درباره ترسوس، آشکارا به واقعیتی اقتصادی و تجاری کیلیکیه اشاره می‌کند. حضور پارسیان و کنترل بازارهای تجاری در کیلیکیه با توجه به آثار برجای مانده در سی قلعه کیلیکیه مورد تایید قرار گرفته است. تصاویر حک شده بر سکه‌های کیلیکیه حاکی از تاثیر سنن محلی و همچنین ورود مضامین و نام‌های پارسی به این منطقه است. کتیبه‌های اهدایی و کتیبه‌های مربوط به تدفین و خاکسپاری در کیلیکیه که یکی متعلق به دوران اردشیرها، و حاوی واژه دته است. همچنین پیدا شدن کتیبه‌ای به زبان آرامی و کشف سکه‌هایی به همین زبان که زبان رسمی شاهان هخامنشی بود، همچنین وجود جماعات مهاجرنشین پارسی در کیلیکیه و یا وام‌گیری شیوه زندگی پارسی و وجود عناوین مذهبی در کتیبه‌ها همگی بیانگر حضور پیوسته هخامنشیان و اقوام پارسی در این سرزمین به دلیل جایگاه استراتژیک و اهمیت اقتصادی - تجاری

کیلیکیه در دوره هخامنشیان است و به ویژه نقش تجار و بازرگانانی از پارسیان در این سرزمین که در کنار دیگر تجار در حال دادوستد و تجارت بودند، بیانگر اهمیت و جایگاه کیلیکیه در دوره هخامنشیان است.

## کتاب‌نامه

- احتشام، مرتضی (۲۵۳۵). *ایران در زمان هخامنشیان*. تهران: شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- استرابو، (۱۳۸۲)، *جغرافیای استرابو (سرزمین‌های زیر فرمان هخامنشیان)*. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- اسمیت، سیدنی (۱۳۹۰). «تفوق آشور». تاریخ جهان باستان کمبریج (امپراتوری آشور). ترجمه تیمور قادری. تهران: مهتاب.
- ایمان‌پور، محمدتقی و دیگران، (۱۳۹۱)، «نقش حکومت‌های محلی ایرانی نژاد شرق آسیای صغیر در شکل‌گیری اندیشه بازیابی امپراتوری هخامنشی نزد اشکانیان». مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ. سال سوم. شماره یازدهم. صص ۱-۱۲
- بیانی، ملک‌زاده (۱۳۴۴)، «شرحی درباره سکه‌ای از مازنه یکی از فرمانروایان هخامنشی». دوره سه، شماره ۳۲ و ۳۳، خرداد و تیر. صص ۱۷-۱۹. موزه‌دار موزه‌ی ایران باستان.
- بیوار، ا. اچ (۱۳۸۵). «سکه‌های هخامنشی، وزن و اندازه آنها». تاریخ ایران، دوره هخامنشیان. از مجموعه تاریخ کمبریج. جلد چهارم. ترجمه مرتضی ثاقب‌فرو. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- پیگولوسکایا، نینا ویکتوروونا (۱۳۸۷). *شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان*. ترجمه عنایت‌الله رضا. چاپ چهارم. تهران: علمی و فرهنگی.
- توکودیدس، (۱۳۷۷). *تاریخ جنگ‌های پلوپونزی*. ترجمه محمد حسن لطفی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- توین‌بی، آرنولد (۱۳۸۸). *جغرافیای اداری ایران باستان*. ترجمه همایون صنعتی‌زاده. تهران: موقوفات افشار.
- خزائی، سهم‌الدین (۱۳۹۲). *بازرگانی در دوره هخامنشیان*. پایان‌نامه دکتری، تهران: گروه تاریخ دانشگاه تهران.
- خزائی، سهم‌الدین (۱۳۹۵)، «راه‌های ارتباطی خشکی در دوره هخامنشی»، پژوهش‌های تاریخی، سال هشتم، شماره چهارم، (پیاپی ۳۳)، صص ۳۷-۵۸.

موقعیت راه‌بردی و اقتصادی ... (محمدتقی ایمانپور و طهمورث مهرابی) ۴۵

داندامايف، محمد ع. (۱۳۸۹). *تاریخ سیاسی هخامنشی*. ترجمه: فرید جواهر کلام. چاپ اول. تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز.

دیاکونوف، ام. (۱۳۸۸). *تاریخ ماد*. ترجمه: کریم کشاورز. چاپ نهم. تهران: علمی و فرهنگی.  
دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ. (۱۳۹۰). *تاریخ ایران باستان*. مترجم روحی ارباب. تهران: علمی و فرهنگی.

دیودور سیسیلی، (۱۳۹۷). *ایران و شرق باستان در کتابخانه تاریخی*. ترجمه و حواشی از حمید بیگس شورکایی و اسماعیل سنگاری. تهران: انتشارات جامی.  
رادستا، لئو، (۱۳۸۹). *ایران در آسیای صغیر*. تاریخ ایران. پژوهش دانشگاه کمبریج. جلد سوم. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر.

سعیدی، فرخ. (۱۳۷۶). *راهنمای تخت جمشید، نقش رستم و پاسارگاد*. تهران: میراث فرهنگی.  
فرای، ریچارد نلسون. (۱۳۸۸). *تاریخ باستانی ایران*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: علمی و فرهنگی

گرین‌فیلد، جی. سی، (۱۳۸۵). «*زبان آرامی در امپراتوری هخامنشی*». تاریخ ایران، دوره هخامنشیان. از مجموعه تاریخ کمبریج. جلد چهارم. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: انتشارات امیرکبیر.  
گزنفون، (۱۳۸۴). *لشکرکشی کوروش یا بازگشت ده هزار نفر*. ترجمه وحید مازندرانی. تهران: دنیای کتاب.

گیرشمن، رمان. (۱۳۷۲). *ایران از آغاز تا اسلام*. ترجمه محمد معین. چاپ نهم. تهران: علمی و فرهنگی.

مهرابی، طهمورث و شهرام جلیلیان. (۱۳۹۴). «*کاپادوکیه نگهدارنده‌ی فرهنگ و سنت هخامنشیان در آسیای کوچک*». مطالعات تاریخ فرهنگی؛ پژوهش‌نامه‌ی انجمن ایرانی تاریخ. سال هفتم. شماره بیست و ششم. صص ۱۳۳-۱۵۹.

هژبری نوبری، علیرضا و دیگران، (۱۳۹۰). «*بررسی باستان‌شناختی ارتباطات سیاسی و فرهنگی ایران و آسیای صغیر در دوران هخامنشی*». فصلنامه ژئوپلیتیک. سال هفتم. شماره سوم. صص ۲۰۳-۲۲۹.

ولایتی، رحیم. (۱۳۹۵). «*بررسی و مطالعه مکان‌یابی ساتراپی‌های هخامنشی در آسیای صغیر*». جامعه‌شناسی تاریخی. دوره‌ی هشت. شماره دو. صص ۲۵۷-۲۹۶.

ویسهورف، یوزف (۱۳۹۰)، *ایران باستان*، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، تهران: انتشارات ققنوس.  
یوسف جمالی، محمد کریم و دیگران. (۱۳۹۲). «*نقش و جایگاه ساتراپ نشین‌های غرب ایران در شاهنشاهی هخامنشی (از ۵۵۰ تا ۳۳۰ پ.م)*». پژوهش‌های تاریخی (علمی و پژوهشی) دانشکده

ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. سال چهل و نهم، دوره جدید، سال پنجم. شماره دوم (پیاپی ۱۸). صص ۳۷-۵۲.

- Abrams, Dennis (2008), *Ancient World Leaders: Xerxes*, New York: Infobase Publishing.
- Anson, Edward M. (1988). " *Antigonus, the Satrap of Phrygia*". *Historia: Zeitschrift für Alte Geschichte*, Franz Steiner Verlag. Vol. 37, No. 4, pp. 471-477.
- Arrian, (1983). *The Anabasis of Alexander*, Liteally translated by E. J. Chinnock, M.A., LL.B., London: Butler & Tanner.
- Back, Michael. (1978). *Acta Iranica, troisième série*, Volume VIII. Leiden: diffusion E.J.brill.
- Balcer, Jack Martin (1994). " *Herodotus, the 'Early State,' and Lydia*". *Historia: Zeitschrift für Alte Geschichte*, Franz Steiner Verlag, Vol. 43, No. 2, pp. 246-249.
- Baslez, M F (1985), " *Presence et traditions iraniemies dans U cites de l'ILgec*" KEA 87/1-2: 56-137.
- Beal, Richard H (1992). " *The Location of Cilician Ura*", *Anatolian Studies*, Vol. 42, pp. 65-73. <https://www.jstor.org/stable/3642951>.
- Boyce, Mary (1982). *A History of Zoroastrianism*. Volume two. Under the achaemenians. Leiden/ Koln: E.J. Brill.
- Briant, Pierre (2002), *From Cyrus to Alexander: a history of the Persian Empire*, translated by Peter T. Daniels, United States of America.
- Briant, Pierre (2012), " *From the Indus to the Mediterranean: The Administrative Organization and Logistics of the Great Roads of the Achaemenid Empire*", *Highways, Byways, and Road Systems in the Pre-Modern World*, Edited by Susan E. Alcock, et al, Wiley & Sons, 185-201.
- Brosius, Maria (2006), *The Persians an Introduction*, London and New York: Routledge.
- Burn., A. R. (1984), *Persia and the Greeks I*. Oxford.
- Calik, Ayse. (1997). *Roman Imperial sculpture from Cilicia. Vol 1*. London: King's College.
- Casabonne, Olivier (1996). " *Notes ciliciennes. In: Anatolia Antiqua*", doi : <https://doi.org/10.3406/anata>. Tome 4, pp. 111-119.
- Ctesias (2010), *Ctesias' History of Persia: Tales of the Orient*, translated with commentaries by lloyd Lewellyn-Jones and James Robson, simultaneously published in the USA and Canada by Routledge.
- Curtis, John (2003). " *Draft The Achaemenid Period in Northern Iraq*" *Colloque L'archéologie de l'empire achéménide*, Paris, Collège de France, pp 1-20.
- Curtius, Quintus (1962). *Books I-V*. with an English translation by John C, Rolfe, Litt.D. in two volumes. London: Harvard University Press.
- Davesne Alain, Lemaire André, Lozachmeur Hélène (1987). " *Le site archéologique de Meydancikkale (Turquie) ; du royaume de Pirindu à la garnison ptolémaïque. année*" In: *Comptes rendus des séances de l'Académie des Inscriptions et Belles-Lettres*, 131<sup>e</sup> N. 2. pp. 359-383.



- Edelman, Diana (2005). *The Origins of the 'Second' Temple*, London: Equinox.
- Forbes, T. B. (1983). *Urartian Architecture*. Oxford (BAR International Series 170).
- Frye, Richard N (1965), *History of civilization: the heritage of Persia*, London: Weidenfeld and Nicolson 20 New bond street London Wi.
- Georges, Pericles B (2000). "*Persian Ionia under Darius: The Revolt Reconsidered*". Published by Franz Steiner Verlag. *Historia: Zeitschrift für Alte Geschichte*, Vol. 49, No. 1, pp. 1-39.
- Graf, David F (1994), "*The Persian Royal Road System*", in: H. Sancisi-Weerdenburg, A. Kuhrt & M.C. Root (eds.), *Achaemenid History VIII: Continuity and Change*, Nederland Instituut Foor Het Nabije Oosten, Leiden, pp. 167-189.
- Grainger, John D (2007). *Alexander the Great Failure*, The Collapse of the Macedonian Empire. New York: Hambledon Continuum.
- Haim Gitler and Andre Lemaire (2003). "*The Levant, Phoenicia and Palestine in the Persian Period*", Madrid, pp. 151-175.
- Hermann Hunger and Robartus Van der Spek (2006). "*An astronomical diary concerning Artaxerxes II, Military Operations in Babylonia I*". *Arta* 2006.002. Juin, pp 1-16.
- Herodotus (1890), *The history of Herodotus*, Translated into English by G. C. Macaulay, M.A. in two volumes, New York: Cambridge.
- Hyland, John. (2008). "*Pharnabazos, Cyrus' Rebellion, and the Spartan War of 399*". *Arta* 2008.003. Madrid, pp 1-26.
- Imanpour, M.T (2002-2003), "*The Medes and Persian: Were the Persian ever Ruled by the Medes,*" *Name-ye Iran-e Bastan*, the International Journal of Ancient Iranian studies, Volume 2, No. 2, pp. 61-79.
- Isidore of Charax (1914), *Parthian stations Isidore of Charax*, The Greek Text, With A Translation and Commentary by Wilfred H. Schoff, Philadelphia: Published by the Commercial Museum.
- Kent, R. G (1953), *Old Persian, Grammar, Texts, Lexicon*, American Oriental Society: New Haven/ Connecticut.
- Kuhrt, Amelie (2007), *The Persian Empire*, London and New York: Taylor & Francis Routledge.
- Lincoln, Bruce (2007). *Religion, Empire, and Torture*. Chicago.
- Lintz, Yannick (2010). "*The Archer Coins: A Closer Examination of Achaemenid Art in Asia Minor*", *The world of Achaemenid Persia*. Edited by John Curtis and St John Simpson. London & New York: I.B.Tauris & Co Ltd.
- Luckeubill, D.D (1973), *Ancient records of Assyria and Babylonia*, Volume II, 2nd Reprinting by Carenwood Publication: New York.
- Murray, O (1988), "*The Ionian revolt*." *CAH* 42: pp 90-461.

- Nicholas, Rauh K et al (2009). "Life in the Truck Lane: Urban Development in Western Rough Cilicia", <http://digitalcommons.unl.edu/anthropologyfacpub>, Anthropology Faculty Publications, pp 253-307.
- Nichols, Andrew (2008). *The Complete fragments of Ctesias of Cnidus*: Translation and commentary with an introduction. United states: ProQuest LLC.
- Poolos, Jamie (2008), *Darius the Great*, New York: Infobase Publishing.
- Poots, D.T (2004). *The Archaeology of Elam*. Cambridge University Press.
- Roaf, M.D (1983). *Sculptures and Sculptors at Persepolis*, Iran XXI, London.
- Rollinger, Robert (2004). *The Median "Empire", the End of Urartu and Cyrus' the Great Campaign in 547 B.C.* (Nabonidus Chronicle II 16), Proceedings of the 1st International Conference on Ancient Cultural Relations Between Iran and West Asia. Tehran: press. pp 1-13.
- Steinherr, F (1958). "Die Urartaischen Bronzen von Altintepe". *Anatolia III*: pp 97-102.
- Summers, G. D (1993). "Archaeological Evidence for the Achaemenid Period in Eastern Turkey". British Institute at Ankara, *Anatolian Studies*, Vol. 43, pp. 85-108
- Van Alfen, Peter G (2005). "Herodotus' "Aryandic" Silver and Bullion Use in PersianPeriod Egypt". *AJN Second Series* 16-17. pp. 7-46. the American Numismatic Society.
- Weiskopf, Michael (2012). "Cilicia," *Encyclopaedia Iranica*, Enclr, E. Yarshater, V/6, pp. 561-563
- Wiesehöfer, Josef (2009a). "Greeks and Persians", A Companion to Archaic Greece Edited by Kurt A. Raaflaub and Hans Van Wees, Wiley-Blackwell Publishing. PP 162-185.
- Wiesehöfer, Josef (2009b). "The Achaemenid Empire", *The Dynamics of Ancient Empires, State Power from Assyria to Byzantium*, Edited by Ian Morris and Walter Scheidel, New York: Oxford. pp 66-99.
- Xenophon (1969). *Cyropaedia*. In two volumes. With an English translation by Walter Miller. London: William Heinemann, New York: The Macmillan Co. Mcmxiv. Stanford University library.